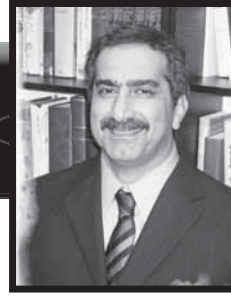


به خودی و ناخودی است هدف قرار داده است. خواستار یک قانون اساسی پیشرو است که ایرانیان را به شهروند درجه دو تبدیل نماید. ذکر دین و مذهب رسمی در قانون اساسی هم اکنون سبب شده که ۲۷ میلیون شهروند ایرانی اهل تسنن به عنوان آدم‌های دست دوم و غیرخودی تلقی شوند ذکر دین رسمی در قانون اساسی، حق حیات متساوی را از صدها هزار زرتشتی، بهائی، مسیحی، یهودی و غیر مذهبی ایرانی سلب نموده است، لذا جنبش اعتراضی فقط برای

کفایت رهبری و سیاسی و توان مرجعیتی وی می‌تواند کس دیگری را جانشین وی نمایند. چهارم اینکه تنها برای تغییر رفتار سردمداران فعلی مبارزه می‌کنند و نه تنها آنها را به رسمیت می‌شناسند که دولت فعلی را دیگر نه تنها کودتاجی که بهر صورت دولت در قدرت ارزیابی کرده و تنها خواستار رعایت مواردی از سوی آنها هستند. و اما مهمترین خواست بخش دوران‌دیش نظام بربریت در این است که می‌خواهند تنها فضای گفتگو ما بین مهمترین بخش‌ها و جریان‌ها موجود در



مجید پهلوان

تحلیل سیاسی

هدف نهائی بیانیه نویسان

محدود کردن اختیارات ولی فقیه آغاز نشده که قصد دارد خود دستگاه ادیان را از حوزه عمومی (دولت) جدا و در جای ویژه خود (جامعه مدنی) قرار دهد. دست آخر اینکه این جنبش برای تغییر رفتار نظام و رهبران آغاز نشده که سرنگونی بلا شرط آن را هدف خود قرار داده. در حالیکه اردوی سبزه قباهاى دو آتش، نشسته در اردوی اصلاح نظام بربریت بازگرداندن فضای گفتگو را هدف خود قرار داده‌اند، اما که جنبش انقلابی خلق‌های ایران چشم‌انداز طرح نو و بدون نظام دینی را خواهان است.

در روند مبارزات مدنی ایرانیان برای دست‌یابی به طرحی نو و دولتی از تبار دموکراتیک است که ایرانیان می‌توانند چهره یک شهروند ایرانی را بخود اختصاص دهند و در سایه اجرای مطالبات خلق‌های ایرانی هرکدام به درجه شهروند - فرد ایرانی عروج می‌کنند و در فضائی دموکراتیک عنوان قدیمی خلق‌های ایران هم به شهروندان آزاد ایران تغییر میابد. در چهارچوب ایرانی دموکراتیک ایرانیان دارای دو چهره می‌شوند.

بقیه در صفحه ۶۵

نظام جمهوری اسلامی برقرار شده تا هرکدام به سهم خود در چپاول سهم شوند. در این مطلب نه اعتقادی به منشور جهانی حقوق بشر دارند، چراکه قانون‌گذاری را طبق نص صریح کتاب آسمانی از آن خدا می‌دانند که در قرآن آمده و قانون‌گذار را نیز تنها خود و مراجع خود می‌خواهند که بر مبنای تقسیم جامعه به خودی و ناخودی، خلیفه و امت، چوپان و گله، مقرراتی وضع و اجرا نماید که ابداً نافی دستورات کتاب مقدس نباشد.

بی‌تردید اهداف نامبرده شده، لیکن از سوی اردوی مردم به گونه‌ای دیگر تبیین می‌شود. نسل نو که اکنون به میدان مبارزات سیاسی قدم گذارده، برای تغییر ساختاری جامعه و اول به لحاظ سیاسی (سرنگونی) تلاش می‌کند. هدف جنبش اعتراضی کنونی، دنباله مطالبات اقل‌آسی ساله کنونی است که خواست جدائی دین و دولت به بنیادهای مطالبات انقلاب مشروطیت گره خورده است. شهروندان ایرانی برای تغییر رفتار رهبران نظام اسلامی به میدان نیامده‌اند و لذا اساس حکومت دینی را که بر مبنای تقسیم شهروندان

مذکور است. آنها با شرکت کنندگان خود در این مسیر برنامه‌سازی می‌کنند و هرگونه پرسش و شک و تردید در این راستا را یا برچسب زیاده خواهی، عدم درک سیاسی و... از گردونه خارج می‌سازند. شرکت کنندگان برنامه‌های مذکور همگی به تبعیت از اربابان در پی جایگزینی سبزه قباها با اردوی دولت فعلی (بیت رهبری - سپاه) هستند. من اما که در پاسخ به پرسش شما می‌نویسم که اردوی اصلاح طلبی حکومت دینی با تمام جوانب ملی مذهبی و کارگزاران و... خود، تنها تلاش بخش مال باخته خود نظام بربریت فعلی است که تجدید موقعیت سیاسی و اقتصادی، اجتماعی خود را طالب است. سبزه قباها که من برای نمادهای اردوی اصلاح طلبی حکومتی فعلی مورد استفاده می‌دهم بواقع چنین اهدافی را دارند. ابتدا اینکه برای سرنگونی نظام جمهوری اسلامی به میدان نیامده‌اند، صریحاً ابراز داشته‌اند و با خدمات سی و یک ساله خود و در تمام ارکان رهبری این مطلب را اثبات نموده‌اند. دوم اینکه به گفته خودشان، برای قانون‌مند کردن نظام تلاش می‌کنند! سوم اینکه محدود کردن اختیارات ولی فقیه را طالب هستند و می‌گویند که طبق نص صریح قانون اساسی، در صورت عدم

مجید پهلوان

چند پرسش کلیدی از سوی گروهی از دانشجویان مطرح شده که از من می‌خواهند تا به طور صریح و گویا به آنها پاسخ دهم. پرسش‌ها به دوازده مقوله میرسد ولی من بد ندیدم تا به تمامی آنها در دو بخش پاسخ گویم. در بخش اول به تفاوت اهداف و چشم‌انداز جنبش اعتراضی کنونی با مطالبات اردوی اصلاح طلبی دولتی و جناح دوران‌دیش نظام اسلامی می‌پردازم و در قسمت دوم، نظر خود را درباره تفاوت بین انقلابات سیاسی و یک انقلاب اجتماعی مطرح می‌سازم.

از آنجائیکه برنامه‌گذاران و اغلب شرکت کنندگان در ایستگاه‌های رسانه‌های شنیداری و دیداری که امواج خود را بسوی ایران هدف گرفته‌اند، تلاش در مخدوش نمودن تفاوت اهداف جنبش آزادی خواهانه ملت و مطالبات بخش معترض حکومت دینی دارند، لذا بهتر است تا به این بخش از پرسش‌ها در ابتدا پاسخ گویم. بی‌تردید هدف ایستگاه‌های رسانه‌های مذکور و بویژه انواع دولتی آن که از سوی اروپائیان و واشینگتن ارتزاق میکنند مخدوش نمودن و یکی کردن اهداف

همدردی

سرکار خانم مهناز علیخانی

درگذشت پدر عزیزتان را به شما و خانواده محترم تسلیت عرض نموده و از خداوند متعال طلب آمرزش برای روح آن مرحوم و صبر و شکیبایی برای شما آرزو مندیم.

رایا و علی ربیعی
رویا و امیر غفاری



بقیه از صفحه ۶۴

که هر کدام زمینه‌ساز رسیدن ما به جامعه‌ای معتدل خواهند بود. هدف این مرحله ما یک انقلاب سیاسی است که وظیفه خود را در بعد اجرایی بزرگشیدن حکومت دینی قرار داده و در ابعاد اجتماعی، جدائی دین و دولت و آزادی‌های شهروندی را نشانه گرفته، اما که پیکار اصلی می‌ماند در زمینه اقتصادی. رهائی از اقتصاد تک پایه و غیر تولیدی نفتی، آن انقلاب اصلی است که جامعه ما قوام لازم برای حصول به آن را بدست آورده است. در اصل تصاحب درآمد فروش نفت خام در ایران جایگزین موقعیت شاهان در تملک تمامی اراضی و قنات‌های ایران زمین در سابق شده است. این نوع تملک تولید استبداد شرقی کرده است و تا تغییر اساسی و تغییر بنیان باز تولید حکومت‌های مستبد (اقتصاد غیر تولیدی)، هرآن انقلاب سیاسی ما امکان شکست را در خود و با خود حمل خواهد کرد.

هم اکنون ما در لحظه‌ای زندگی سیاسی خود را دنبال می‌کنیم که قوام تضاد آشکار حقوق شهروندی با یک چهارچوب عقب مانده و پوسیده مذهبی عیان می‌شود. هرگونه سازش با عمده نظام و وابستگان به مراکز قدرت داخلی و نمایندگان سیاسی شرکت‌های نفتی که در بالماسکه اصلاح طلبی نظام اجرای نقش می‌کنند، بازگشتی به قهقرا ارزایی می‌شود. انقلاب سیاسی لازم است ولی این نوع تغییر ساختاری مترادف با تخریب و قهر و خشونت نیست. انقلاب سیاسی امروز ما می‌تواند در صورت شرکت طبقات پیشرو اجتماع زمینه‌ساز اصلاحاتی پی‌گیر شود که سالها طول خواهد کشید ولی با حکومت دینی امکان کوچکترین اصلاحی ممکن نیست! ملت ایران هنوز از طریق سازمانهای طبقاتی خود دست به حمله و تعرض زده ولی این حمله و آغاز دوران تعرض نیاز به برنامه مدون سیاسی دارد. انقلاب‌ها بدون شرکت متشکل طبقات اجتماعی پیشرو با برنامه‌ای مدرن می‌توانند مجدداً صحنه‌گردان تاتر وحشت دیگری شوند. باید برای عموم اختلاف قهر و خشونت را توضیح داد و فرق تعرض انقلابی را با شورش کور روشن نمود.

سرمایه ملیت را به همراه جهانی کردن تولید از آنان می‌گیرد. چون طبقه نوین جهانی می‌شود پس انقلاب آنها نیز نیاز به جهانی شدن دارد (افلا در کشورهای فوق صنعتی). پس انقلاب اجتماعی را می‌توان کنش و عملکرد مدل حاکم بر انحصارات بطور همزمان و باهم دانست. در این حال بورژوازی هنوز در بوق ملت گرائی می‌دمد ولی از آنجائیکه صنعت بزرگ و تولید انبوه، تولید طبقه جهانی کارگر کرده است، لذا ملت گرائی وی نیز با خود و در خود و تولید انبوه می‌میرد! در این حالت است که شعور جمعی ما از بند استعمار



رها می‌شود و برای خود اخلاق، حقوق، فلسفه و شیوه زندگی نوینی ترتیب می‌دهد.

با ذکر مولفه‌های انقلاب اجتماعی در عصر سرمایه‌داری، به نظر می‌رسد که مملکت ما، لیکن آستان یک انقلاب سیاسی (دموکراتیک) باشد که از تک کشور ایران بر می‌آید. در این مقوله ما با زمین زدن حکومت دینی قادر به تعویض یک شبه شیوه تولید نیستیم ولی اقیانوسی از کار مقابل ما قرار می‌گیرد

تضادهای فرعی نیز هستند ولی هرکدام که به صحنه بیایند چنین وانمود می‌کنند که سخن‌گوی تمام ملت هستند. در انقلابات اجتماعی، قوام جامعه به حدی رسیده که عناصر جامعه نوین در بطن آن رشد کرده و در لحظه انقلاب و تغییر ساختاری نه تنها اقتصاد جامعه پوسته می‌ترکند که دستگاه حقوقی، اخلاقی جامعه نیز از زنگ زدگی، بیهوده‌گی خود را عیان می‌سازند. در این نوع انقلابات در لحظه حاضر می‌توان از آن بنام انقلاب سوسیالیستی (اجتماعی) نام برد، چند نکته برجسته است. ابتدا اینکه انقلاب ضروری می‌شود،

ابتدا شهروند کشور به حساب می‌آیند، چرا که دولت انتخاب می‌کنند (و خود عضوی از آن می‌شوند) و دیگر اینکه به عنوان یک فرد با حقوق، عضوی از جامعه مدنی می‌شوند که خود مجموع روابط مادی افراد درون مرحله معینی از تکامل (سرمایه‌داری) اجتماع است که در تاسیسات مدنی و روابط آن مادیت میابد. در این خصوص نه اشتراک هدفی بین آیات عظام عمامه‌ای و غیره با مردم موجود است و نه اساساً حضرات در مقوله دولت مدرن می‌توانند تنفس کنند!

بخش دوم پاسخ من به مجموعه پرسش‌های دوازده‌گانه دانشجویان در خصوص انقلاب اجتماعی است. قبل از توضیح نظر خود می‌خواهم که افلا در نزد دانشجویان به عنوان بلندگوی حساس اجتماع این مسئله جا بیافتد که علیرغم جار و جنجال ابواب جمعی سرمایه، انقلاب مترادف با خشونت و تخریب نیست. پیش برد این بحث در لحظه کنونی و عمومی کردن آن در آینده به ما بی‌شک کمک خواهد کرد. تغییر ساختاری را اگر انقلاب بنامیم و آن به دو بخش تقسیم می‌شود.

یکی انقلابات سیاسی است که علیرغم سرنگونی دولت در صحنه، اما که تغییری بنیادی در اساس اقتصاد (مالکیت ابزار تولید و شیوه تولیدی) نمیدهد، این انقلابات سیاسی هدف خود را بزرگشیدن دولت وقت قرار می‌دهد ولی لزوماً با طرح و برنامه طبقه اجتماعی نوین صورت نمی‌گیرد و اساساً تغییری در شیوه تولیدی و سیمای اقتصادی جامعه نمی‌دهد. در مقابل ما انقلاب اجتماعی را داریم که بوسیله طرح و برنامه و طبقه جدید اجتماعی انجام می‌پذیرد که بواقع خود محصول قوام نیروهای مولده و انقضای زمان مصرف شیوه تولیدی قدیم در سطحی گسترده و جهانی می‌شود. در این نوع انقلاب‌ها فرض بر این است که طبقه اجتماعی حاکم (در عصر حاضر بورژوازی) دارای بخش‌های متفاوتی است که اگر چه در بین خود حامل

نه بخاطر اینکه برای بزرگشیدن دولت ارتجاعی راه دیگری نمانده. بلکه برای این مقصود است که رهائی از پلیدی‌ها، کاستی‌ها، کجی‌ها و امانده‌گی‌های قدیم جز از طریق قطع رابطه قطعی و همیشگی با آن میسر نمی‌شود. این نوع انقلاب در عصر سرمایه‌داری جهانی بدین صورت در ایدئولوژی آلمانی (مارکس-انگس) فرموله شده است که تولید انبوه مسلط است. تولید انبوه را انحصاراتی پیش می‌برند که از عموم سلب مالکیت کرده‌اند. تولیدکنندگان جهانی میشوند و خود



Canadian Diploma Private High School

آیا بتازگی به کانادا آمده اید؟

416 871-2153

آیا در فهمیدن صحبت‌های دیگران ، تلویزیون و فیلم و حتی نوار تلفن مشکل دارید؟

آیا هنگام خرید ، در بانک ، پای تلفن ، سر کلاس نیاز به مکالمه انگلیسی دارید؟

بیش از این وقت خود را تلف نکنید!

با شرکت در کارگاه‌های مخصوص مکالمه در این مرکز مشکل خود را یک ماهه حل کنید

ما گرامر میدانیم ولی شما برای صحبت کردن نیازی به دانستن آن ندارید!!

تدریس زبان یک تخصص است . با استفاده از تجربه ما ، در عمر خود صرفه جویی کنید